



ارزیابی عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی با رویکردی به فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران

معصومه عزیزی^۱

ابراهیم یاقوتی^{۲*}

مرتضی شهبازی‌نیا^۳

عمران نعیمی^۴

محمد بهمنی^۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱۰

چکیده

عدالت توزیعی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین عدالت، نقشی حیاتی در تخصیص عادلانه منابع طبیعی دارد. در نظام‌های حقوقی و فقهی، واگذاری منابع طبیعی به‌عنوان بخشی از اموال عمومی، همواره با چالش‌هایی نظیر انحصارطلبی، سوءاستفاده از قدرت و تضییع حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر مواجه بوده است. بر این اساس، هدف مقاله حاضر، شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی ایران در مقایسه با آموزه‌های فقهی و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود فرایند واگذاری عادلانه منابع طبیعی است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع مکتوب و اسناد حقوقی (داخلی و بین‌المللی) و فقهی مرتبط با در واگذاری منابع طبیعی از منظر عدالت توزیعی با روش تحلیلی استنتاجی انجام یافته است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد در فقه اسلامی، واگذاری عادلانه منابع طبیعی بر اساس اصولی چون حق همگانی، جلوگیری از اسراف و تقدم نیازمندان انجام می‌گیرد. همچنین، در حقوق موضوعه ایران، قوانین و مقررات مرتبط با واگذاری منابع، بر اساس نظارت دولت و نهادهای مسئول، با تأکید بر پیشگیری از تبعیض و تضمین منافع عمومی انجام می‌گیرد. یافته‌های پژوهش مویدی است بر اینکه تطبیق اصول فقهی با حقوق موضوعه می‌تواند به تدوین سیاست‌های عادلانه‌تری در بهره‌برداری از منابع طبیعی منجر شود. در راستای یافته‌ها و نتایج پژوهش، تقویت

^۱ گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول): e.yaghouti@iauctb.ac.ir

^۳ دانشیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۴ استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۵ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

شفافیت و نظارت در فرآیند واگذاری منابع طبیعی، تقویت مسئولیت‌های عمومی در فقه اسلامی، اصلاح قوانین و مقررات و تقویت بُعد فقهی در فرآیندهای اجرایی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: عدالت توزیعی، واگذاری منابع طبیعی، فقه اسلامی، حقوق موضوعه ایران، منابع عمومی.

۱- مقدمه

منابع طبیعی از جمله مهم‌ترین دارایی‌های عمومی به شمار می‌روند که نقش بسزایی در تأمین رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند. با توجه به محدودیت منابع طبیعی و اهمیت بهره‌برداری بهینه از آن‌ها، تخصیص این منابع به افراد و نهادها، نیازمند رعایت اصول عدالت توزیعی است. عدالت توزیعی که یکی از ارکان اصلی عدالت محسوب می‌شود، به معنای توزیع منصفانه منابع و منافع میان افراد جامعه بر اساس نیازها و شرایط عادلانه است.

در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی، رویکردهای مختلفی نسبت به واگذاری منابع طبیعی وجود دارد. از منظر فقه اسلامی، اصولی همچون قاعده لاضرر، اصل جلوگیری از اسراف و تقدم نیازمندان بر دیگران، چارچوبی را برای تخصیص منابع ارائه می‌دهد. در حقوق موضوعه ایران نیز قوانینی نظیر قانون اساسی و قوانین مرتبط با منابع طبیعی، تلاش دارند تا ضمن حفظ منافع عمومی، عدالت توزیعی را محقق سازند. با این حال، چالش‌های متعددی از جمله عدم شفافیت در قوانین، فساد در فرآیند واگذاری و تضاد منافع، مانع تحقق کامل عدالت توزیعی شده است. این تحقیق با هدف بررسی مبانی نظری و عملی عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی، تلاش دارد تا با تحلیل تطبیقی رویکردهای فقهی و حقوقی، به شناسایی نقاط ضعف و ارائه راهکارهایی برای بهبود این فرآیند بپردازد. در این پژوهش، مبانی فقهی و حقوقی مرتبط، چالش‌های موجود و راهکارهای اصلاحی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. مفاهیم و مبانی نظری

در این بخش، مفاهیم اصلی این تحقیق که شامل "عدالت توزیعی"، "منابع طبیعی" و "واگذاری منابع طبیعی" هستند، بررسی می‌شوند. برای هر یک از این مفاهیم، تعاریف و دیدگاه‌های مختلف از منظر فلسفه، فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران ارائه می‌گردد.

۲-۱- عدالت توزیعی

عدالت توزیعی به مفهوم توزیع منصفانه منابع و فرصت‌ها بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه اطلاق می‌شود. در این راستا، تمرکز بر این است که چگونه منابع و اموال عمومی به‌گونه‌ای میان اعضای جامعه تقسیم شوند که هیچ فرد یا گروهی از عدالت محروم نشود.

۲-۱-۱- دیدگاه‌های فلسفی در عدالت توزیعی

در فلسفه سیاسی، عدالت توزیعی موضوع گسترده‌ای است که متفکران مختلف در طول تاریخ به آن پرداخته‌اند. جان راولز^۱ در کتاب «نظریه عدالت»^۲ (۱۹۷۱) براساس نظریه عدالت به این نتیجه می‌رسد که هر فرد باید از حقوق برابر برخوردار باشد و تفاوت‌های اقتصادی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که به نفع ضعیف‌ترین افراد جامعه تمام شوند (راولز، ۱۹۷۱: ۱۴). راولز با تأکید بر اصل "مساوات در آزادی‌ها" و "مناسب بودن تفاوت‌ها" بیان می‌کند که توزیع نابرابر منابع تنها در صورتی مجاز است که به نفع اقشار فقیر و نیازمند باشد.

در مقابل، رابرت نوزیک^۳ در کتاب «بی‌دولتی، دولت، آرمانشهر»^۴ (۱۹۷۴) بر اصل حق مالکیت تأکید دارد و معتقد است که توزیع منابع باید بر اساس حقوق مالکیت افراد صورت گیرد. از نظر نوزیک، عدالت توزیعی نباید از طریق مداخله دولت در منابع اقتصادی صورت گیرد و تنها انتقال منابع باید بر اساس قراردادهای داوطلبانه باشد (نوزویک، ۱۹۷۴: ۵۰).

۲-۱-۲- دیدگاه‌های اسلامی درباره عدالت توزیعی

در فقه اسلامی، عدالت توزیعی اساساً بر پایه‌های اخلاقی و شرعی بنا نهاده شده است. قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) بر عدالت در تقسیم منابع و حقوق تأکید داشته‌اند. در آیه ۵۸ سوره نساء آمده است:

"إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا أَمَانَاتِكُمْ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ" (النساء، ۵۸).

این آیه مبنای اخلاقی در توزیع منابع عمومی و عدالت در این خصوص را مطرح می‌کند.

^۱ Rawls

^۲ A Theory of Justice

^۳ Nozick

^۴ Anarchy, State, and Utopia

در فقه امامیه، منابع طبیعی به‌عنوان "انفال" شناخته می‌شوند و به‌طور کلی باید تحت نظارت حکومت اسلامی قرار گیرد. فقیهان امامیه نظیر شیخ طوسی و علامه حلی بر لزوم رعایت عدالت در توزیع منابع عمومی تأکید کرده‌اند. طبق نظرات آنان، منابع طبیعی باید به‌طور مساوی میان مردم تقسیم شوند و هیچ فرد یا گروهی نباید از این منابع محروم گردد (نجفی، ۱۴۱۰هـ.ق، ج ۱۷، ص ۱۷۵).

۲-۲- منابع طبیعی

منابع طبیعی به آن دسته از منابعی گفته می‌شود که به‌طور طبیعی در محیط زیست وجود دارند و از آن‌ها برای تأمین نیازهای انسان‌ها استفاده می‌شود. این منابع می‌توانند شامل آب، جنگل‌ها، معادن، نفت، گاز و خاک باشند. در حقوق عمومی و فقه اسلامی، این منابع به‌عنوان دارایی‌های عمومی و متعلق به همه مردم شناخته می‌شوند.

۲-۲-۱- حقوق عمومی و منابع طبیعی

در سیستم‌های حقوقی مختلف، منابع طبیعی به‌عنوان اموال عمومی به‌شمار می‌آیند و برای بهره‌برداری از آن‌ها باید منافع عمومی در نظر گرفته شود. حقوق دانانی نظیر لوئیجی فارینو^۱ در کتاب «اصول قوانین عمومی»^۲ (۱۹۹۹) به اهمیت حقوق عمومی در حفظ منابع طبیعی تأکید کرده‌اند و بر این باورند که توزیع این منابع باید به‌گونه‌ای باشد که از انحصار آن‌ها توسط افراد یا گروه‌های خاص جلوگیری شود (فارینو، ۱۹۹۹: ۲۳۰).

۲-۲-۲- انفال و منابع طبیعی در فقه اسلامی

در فقه اسلامی، منابع طبیعی غالباً تحت عنوان "انفال" شناخته می‌شوند. انفال به منابعی اطلاق می‌شود که مال عمومی هستند و همه مسلمانان حق استفاده از آن‌ها را دارند. از جمله منابع طبیعی که در فقه اسلامی به‌عنوان انفال شناخته می‌شوند، می‌توان به معادن، جنگل‌ها، رودخانه‌ها و دیگر منابع طبیعی اشاره کرد.

در این زمینه، امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر در نهج البلاغه می‌فرماید:
"وَلَا تَفْرِطْ فِي رِعْيَتِكَ فَيَفْسُدُوا وَ لَا تَطْلُمُهُمْ فَتَجْتَحِفُوا" (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

^۱ Farino

^۲ Principles of Public Law

این جمله تأکیدی است بر اهمیت توزیع عادلانه منابع عمومی و مراقبت از حقوق مردم در راستای حفظ عدالت.

۲-۳- واگذاری منابع طبیعی

واگذاری منابع طبیعی به معنای انتقال حقوق بهره‌برداری یا مالکیت منابع طبیعی به افراد یا نهادهای خاص است. این فرآیند معمولاً در قالب قراردادهای اجاره، تخصیص منابع و بهره‌برداری صورت می‌گیرد و می‌تواند در موارد مختلفی مانند استخراج معادن، بهره‌برداری از جنگل‌ها یا استفاده از منابع آبی به کار گرفته شود.

۲-۳-۱- چارچوب حقوقی واگذاری منابع طبیعی در ایران

در نظام حقوقی ایران، واگذاری منابع طبیعی تحت قوانین خاصی تنظیم می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۵ و ۴۴ بر ضرورت نظارت دولت بر منابع طبیعی تأکید کرده است. بر اساس اصل ۴۵، دولت موظف است که منابع طبیعی را به‌طور عادلانه و در راستای منافع عمومی توزیع کند و واگذاری این منابع باید بر اساس ضوابط قانونی انجام گیرد (Constitution of the Islamic Republic of Iran, Article, 1979, 45).

۲-۳-۲- چالش‌ها و مشکلات واگذاری منابع طبیعی

فرایند واگذاری منابع طبیعی در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر با مشکلاتی همچون فساد، نبود شفافیت و عدم رعایت حقوق عمومی روبه‌رو است. در برخی مواقع، واگذاری منابع به افراد خاص یا گروه‌ها به‌گونه‌ای انجام می‌شود که عدالت توزیعی به خطر می‌افتد و منافع عمومی نادیده گرفته می‌شود. این چالش‌ها می‌توانند منجر به بروز نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی شوند.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع مکتوب و اسناد حقوقی (داخلی و بین‌المللی) و فقهی مرتبط با در واگذاری منابع طبیعی از منظر عدالت توزیعی با روش تحلیلی استنتاجی انجام یافته است. بر این اساس نخست موضوع از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است و سپس این مساله در حقوق بین‌الملل از جمله کنوانسیون‌های مربوطه کنکاش شده است. در بخش دیگر به تحلیل مقایسه‌ای عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی در فقه

اسلامی و حقوق موضوعه ایران پرداخته شده است و چالش ها و راهکارهای مربوطه مورد بحث قرار گرفته است.

۴. عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی: تحلیل فقهی و حقوقی

در این بخش، موضوع عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف این بخش تحلیل اصول فقهی و حقوقی است که باید در فرآیند واگذاری منابع طبیعی رعایت شود تا عدالت توزیعی به‌طور مؤثر محقق گردد.

۴-۱-۱- عدالت توزیعی از منظر فقه اسلامی

در فقه اسلامی، عدالت توزیعی به‌عنوان یکی از اصول بنیادی در حفظ حقوق عمومی و فردی افراد جامعه مطرح است. منابع طبیعی از دیدگاه فقهی به‌عنوان انفال شناخته می‌شوند و متعلق به تمامی مسلمانان است. بنابراین، این منابع نمی‌توانند به‌طور انحصاری در اختیار افراد خاص یا گروه‌های خاص قرار گیرند، بلکه باید به‌طور عادلانه میان همه افراد جامعه توزیع شوند.

۴-۱-۱-۱- انفال و حقوق عمومی

منابع طبیعی در فقه امامیه به‌عنوان "انفال" شناخته می‌شوند. انفال، طبق نظر فقیهان امامیه، شامل تمام منابع طبیعی است که از نظر شرعی متعلق به تمامی مسلمانان می‌باشد و حکومت اسلامی به‌عنوان نایب امام (علیه‌السلام) موظف به مدیریت و توزیع عادلانه آن‌ها است. در کتاب جواهر الکلام، محمدحسن نجفی به این نکته اشاره می‌کند که انفال در اختیار حکومت است و مسئولیت تقسیم آن میان مردم به‌طور عادلانه به‌عهده حکمرانان اسلامی می‌باشد (نجفی، ۱۴۱۰هـ.ق، ج ۱۷، ص ۱۲۵).

۴-۱-۲- نظارت دولت و عدالت توزیعی در فقه اسلامی

در فقه اسلامی، دولت اسلامی باید نظارت دقیقی بر واگذاری و بهره‌برداری از منابع طبیعی داشته باشد تا عدالت در توزیع آن‌ها رعایت شود. امام علی (علیه‌السلام) در نامه خود به مالک اشتر به اهمیت عدالت در مدیریت منابع طبیعی اشاره کرده‌اند و دستور داده‌اند که در توزیع منابع و در رسیدگی به مسائل مالی مردم، باید انصاف و عدالت رعایت شود. این نظارت دولت بر واگذاری

منابع طبیعی باید به گونه‌ای باشد که هیچ‌کس از حقوق خود محروم نشود و نهادهای دولتی نباید از منابع طبیعی سوءاستفاده کنند.

۴-۲- عدالت توزیعی در حقوق موضوعه ایران

در نظام حقوقی ایران، عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی از طریق قوانین و مقررات مختلف پیگیری می‌شود. یکی از مهم‌ترین مبانی قانونی در این زمینه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در آن بر تأکید عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع تأکید شده است.

۴-۲-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در ماده ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که تمامی منابع طبیعی از جمله زمین‌های ملی، معادن، جنگل‌ها، و منابع آب، متعلق به عمومی مردم است و دولت موظف است آن‌ها را به‌طور عادلانه و برای بهره‌مندی عموم مردم اداره و توزیع کند. دولت اسلامی باید در تمامی موارد مرتبط با منابع طبیعی، اصول عدالت و منافع عمومی را رعایت کند. در ماده ۴۴ نیز تأکید شده است که اقتصاد کشور باید بر اساس عدالت و نظارت عمومی دولت در تمامی عرصه‌های اقتصادی باشد.

۴-۲-۲- قوانین تکمیلی و مقررات اجرایی

در کنار قانون اساسی، قوانین تکمیلی و مقررات اجرایی در زمینه واگذاری منابع طبیعی در ایران وجود دارند که هدف آن‌ها رعایت عدالت توزیعی در واگذاری و بهره‌برداری از این منابع است. به‌طور مثال، قانون منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران به وضوح بیان می‌کند که هیچ‌کس نمی‌تواند از منابع طبیعی بدون اجازه و نظارت دولت بهره‌برداری کند. همچنین، قوانین مربوط به معادن و منابع آبی نیز شرایط خاصی را برای بهره‌برداری از این منابع تعریف کرده‌اند تا از هرگونه سوءاستفاده جلوگیری شود و عدالت توزیعی در این زمینه محقق گردد.

۴-۳- چالش‌ها و مشکلات در رعایت عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی

با وجود تأکیدات فراوان بر رعایت عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی، در عمل با چالش‌هایی مواجه هستیم که مانع از تحقق کامل این عدالت می‌شود. از جمله مهم‌ترین این

چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴-۳-۱- فساد و عدم شفافیت

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در فرآیند واگذاری منابع طبیعی، وجود فساد و عدم شفافیت در برخی از نهادهای دولتی است. گاهی اوقات منابع طبیعی به‌طور غیرقانونی و به‌دور از نظارت‌های قانونی به افراد خاص واگذار می‌شود. این نوع واگذاری‌ها می‌تواند منجر به نابرابری اجتماعی و اقتصادی شود و اصول عدالت توزیعی را نقض کند.

۴-۳-۲- نابرابری در دسترسی به منابع

در برخی موارد، توزیع ناعادلانه منابع طبیعی باعث می‌شود که برخی از افراد یا گروه‌های خاص از منابع عمومی بهره‌برداری بیشتری داشته باشند، در حالی که دیگر افراد به‌دلیل نداشتن ارتباطات و منابع لازم نتوانند از آن‌ها بهره‌مند شوند. این مسئله به ویژه در مناطق فقیرنشین و روستایی دیده می‌شود که بر اثر توزیع ناعادلانه، فاصله طبقاتی بیشتری ایجاد می‌شود.

۴-۳-۳- عدم توازن میان حقوق خصوصی و عمومی

در برخی مواقع، در فرآیند واگذاری منابع طبیعی، حقوق خصوصی افراد و منافع عمومی به‌طور کامل در نظر گرفته نمی‌شود. این مسئله می‌تواند به‌ویژه در مواردی که منابع طبیعی به‌طور انحصاری در اختیار بخش خصوصی یا نهادهای خاص قرار می‌گیرد، به نفع افراد خاص تمام شود و از عدالت توزیعی به‌دور باشد.

۴-۴- راهکارها برای تحقق عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی

برای برطرف کردن چالش‌های فوق و تحقق عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی، راهکارهایی می‌توان ارائه داد که شامل:

۴-۴-۱- تقویت نظارت دولتی

نظارت دولت بر واگذاری منابع طبیعی باید تقویت شود تا از فساد و تبعیض جلوگیری شود. ایجاد نهادهای مستقل نظارتی و استفاده از فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های دیجیتال برای پایش روند واگذاری‌ها می‌تواند شفافیت بیشتری ایجاد کند.

۴-۴-۲- تدوین قوانین و مقررات شفاف‌تر

تدوین و اجرای قوانین و مقررات شفاف‌تر و دقیق‌تر برای واگذاری منابع طبیعی می‌تواند از بروز فساد و نابرابری‌ها جلوگیری کند. این قوانین باید به گونه‌ای طراحی شوند که تضمین‌کننده عدالت توزیعی و رعایت حقوق عمومی باشند.

۴-۳-۴- ارتقای مشارکت مردمی

مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری‌های مربوط به منابع طبیعی می‌تواند از بروز مشکلاتی مانند نابرابری و فساد جلوگیری کند. در این راستا، برگزاری مشورت‌های عمومی و توجه به نظرات مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری ضروری است.

۵. مقایسه رویکردهای فقهی و حقوقی در عدالت توزیعی منابع طبیعی

در این بخش، تلاش می‌شود تا مقایسه‌ای میان رویکردهای فقهی و حقوقی به موضوع عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی صورت گیرد. این مقایسه از ابعاد مختلف مانند اصول کلی، منابع حقوقی، نظارت و اجرای عدالت توزیعی و چالش‌های موجود در هر دو نظام انجام می‌شود.

۵-۱- اصول و مبانی عدالت توزیعی در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران

۵-۱-۱- فقه اسلامی

در فقه اسلامی، عدالت توزیعی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در مدیریت منابع طبیعی مطرح است. منابع طبیعی به‌طور کلی تحت عنوان "انفال" در فقه اسلامی قرار دارند. به عبارت دیگر، این منابع متعلق به همه مسلمانان است و هیچ‌کس حق انحصاری بر آن‌ها ندارد. در تفسیر مفهوم انفال و منابع طبیعی، برخی فقیهان از جمله محمدحسن نجفی در جواهر الکلام به این نکته اشاره دارند که این منابع باید تحت نظارت و اداره حکومت اسلامی قرار گیرند تا از هدررفت و فساد جلوگیری شود (نجفی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ج ۱۷، ص ۱۷۵). در این نظام، توزیع منابع باید به گونه‌ای انجام شود که هیچ‌کس از حقوق خود محروم نشود.

۵-۱-۲- حقوق موضوعه ایران

در نظام حقوقی ایران، عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی از طریق اصول قانون اساسی و

سایر قوانین مرتبط پیگیری می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در ماده ۴۵، بر لزوم استفاده عادلانه از منابع طبیعی و انفال تأکید دارد. بر اساس این ماده، تمامی منابع طبیعی متعلق به مردم است و دولت باید آن‌ها را به‌طور عادلانه و برای استفاده عمومی تقسیم کند. همچنین در سایر قوانین مانند قانون منابع طبیعی و معادن، بر اصول عدالت توزیعی و رعایت منافع عمومی تأکید شده است.

۲-۵- رویکرد دولت و نظارت در اجرای عدالت توزیعی

۱-۲-۵- فقه اسلامی

در فقه اسلامی، نظارت دولت در اجرای عدالت توزیعی منابع طبیعی بر اساس موازین شرعی و اصول اسلامی استوار است. حکومت اسلامی به‌عنوان نایب امام (علیه‌السلام) مسئولیتی ویژه در اداره و توزیع منابع طبیعی دارد. در این راستا، نظارت دولت باید به‌گونه‌ای باشد که از فساد و تبعیض جلوگیری شود و منابع به‌طور عادلانه در دسترس مردم قرار گیرد. امام علی (علیه‌السلام) در نامه‌اش به مالک اشتر به اهمیت رعایت عدالت در اداره منابع اشاره می‌کند و تأکید دارد که دولت باید نظارت دقیقی بر این مسائل داشته باشد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲-۲-۵- حقوق موضوعه ایران

در حقوق ایران، نظارت دولت بر منابع طبیعی از جنبه‌های مختلفی چون کنترل و مدیریت منابع آب، معادن، جنگل‌ها و اراضی دولتی صورت می‌گیرد. دولت باید علاوه بر نظارت مستقیم، قوانین و مقررات مربوط به بهره‌برداری از منابع طبیعی را به‌طور دقیق و شفاف اجرایی کند. به‌طور مثال، سازمان‌های مختلف مانند سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری وظیفه نظارت بر بهره‌برداری منابع طبیعی را بر عهده دارند.

۳-۵- چالش‌ها و تفاوت‌های موجود در اجرای عدالت توزیعی

۱-۳-۵- چالش‌ها در فقه اسلامی

در فقه اسلامی، با وجود تأکیدات زیاد بر رعایت عدالت توزیعی، در عمل گاهی مشکلاتی در اجرای این اصول به وجود می‌آید. از جمله این مشکلات می‌توان به نبود یک ساختار اجرایی قوی و مؤثر در برخی جوامع اسلامی اشاره کرد که منجر به سو استفاده از منابع طبیعی و توزیع ناعادلانه آن‌ها می‌شود. همچنین در برخی موارد، تفسیرهای مختلف از اصول فقهی می‌تواند موجب تفاوت در

اجرای عدالت شود. به‌ویژه در مناطقی که حکومت اسلامی به‌طور کامل تأسیس نشده است، اعمال عدالت توزیعی با مشکلاتی روبه‌رو است.

۵-۳-۲- چالش‌ها در حقوق موضوعه ایران

در نظام حقوقی ایران نیز برخی چالش‌ها در اجرای عدالت توزیعی منابع طبیعی وجود دارد. یکی از این چالش‌ها فساد اداری و نبود شفافیت در فرآیندهای اجرایی است که می‌تواند منجر به واگذاری ناعادلانه منابع به افراد خاص شود. در برخی موارد نیز نابرابری در دسترسی به منابع در مناطق مختلف کشور باعث ایجاد شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. در چنین شرایطی، برخی افراد یا گروه‌ها ممکن است از منابع بیشتری بهره‌مند شوند، در حالی که دیگران از حقوق خود محروم می‌مانند.

۵-۴- راهکارها برای بهبود اجرای عدالت توزیعی

۵-۴-۱- تقویت سازوکارهای نظارتی

برای بهبود اجرای عدالت توزیعی در هر دو نظام فقهی و حقوقی، تقویت نظارت دولت و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل پیشنهاد می‌شود. در این راستا، استفاده از فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های الکترونیکی و پایش آنلاین برای نظارت بر فرآیند واگذاری منابع طبیعی می‌تواند به شفافیت و کاهش فساد کمک کند.

۵-۴-۲- اصلاح قوانین و مقررات

اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات مربوط به واگذاری منابع طبیعی و رعایت اصول عدالت توزیعی یکی دیگر از راهکارهای مهم است. در این راستا، نیاز به تدوین قوانین جدید و به‌روزرسانی قوانین فعلی به‌گونه‌ای که توزیع منابع طبیعی را عادلانه‌تر و شفاف‌تر کند، احساس می‌شود. همچنین، باید در این قوانین حق تمامی افراد جامعه در دسترسی به منابع طبیعی به‌طور برابر و عادلانه تأمین گردد.

۵-۴-۳- آموزش و ارتقای آگاهی عمومی

آموزش مردم و ارتقای آگاهی عمومی در مورد حقوق خود در زمینه منابع طبیعی و نحوه بهره‌برداری عادلانه از آن‌ها می‌تواند به تحقق عدالت توزیعی کمک کند. در این راستا، دولت باید با استفاده از رسانه‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی برای مردم، اطلاعات لازم را در این زمینه ارائه دهد.

۶. تحلیل حقوقی عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی در حقوق بین‌الملل

در این بخش، به تحلیل حقوقی عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی در سطح بین‌المللی پرداخته خواهد شد. این تحلیل بر مبنای اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عمومی، کنوانسیون‌ها و توافقات بین‌المللی مربوط به منابع طبیعی و محیط‌زیست انجام می‌شود. مقایسه این اصول با سیستم‌های داخلی ایران و فقه اسلامی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۶-۱- اصول و مبانی حقوق بین‌الملل در عدالت توزیعی منابع طبیعی

۶-۱-۱- حق دسترسی به منابع طبیعی به عنوان یک حق بشر

در حقوق بین‌الملل، یکی از اصول بنیادین در زمینه عدالت توزیعی منابع طبیعی، حق دسترسی به منابع طبیعی است که به‌طور مستقیم به حقوق بشر مرتبط است. بر اساس این اصل، تمامی افراد باید حق استفاده عادلانه از منابع طبیعی را داشته باشند، به‌ویژه در زمینه آب، انرژی و دیگر منابع حیاتی. اعلامیه حقوق بشر و همچنین پایداری توسعه به‌عنوان بخشی از اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، بر لزوم توزیع منصفانه منابع در سطح جهانی تأکید دارد (United Nations, ۲۰۰۰, Article ۲۵). این اصل در بسیاری از اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر نیز تکرار شده است.

۶-۱-۲- اصول حکمرانی خوب و شفافیت

اصول حکمرانی خوب و شفافیت در حقوق بین‌الملل به‌طور مستقیم بر عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی تأثیر دارند. بر اساس این اصول، واگذاری منابع باید به‌صورت شفاف و با نظارت عمومی صورت گیرد. به‌ویژه در اسناد بین‌المللی مانند «کنوانسیون مبارزه با فساد»^۱ (۲۰۰۳) تأکید شده است که فرآیندهای واگذاری منابع باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که از فساد، تبعیض و هدررفت منابع جلوگیری شود.

^۱ United Nations Convention against Corruption

۶-۱-۳- اصول پایداری و حفاظت از محیط‌زیست

یکی دیگر از اصول حاکم در حقوق بین‌الملل، رعایت اصول پایداری و حفاظت از محیط‌زیست در فرآیند استفاده و توزیع منابع طبیعی است. این اصول به‌ویژه در کنوانسیون‌هایی چون "کنوانسیون تغییرات آب و هوا"^۱ (۱۹۹۲) و "کنوانسیون تنوع زیستی"^۲ (۱۹۹۲) مورد تأکید قرار گرفته است. این کنوانسیون‌ها بر لزوم استفاده از منابع طبیعی به‌گونه‌ای که منافع نسل‌های آینده نیز تأمین شود، تأکید دارند.

۶-۲- کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی مرتبط با عدالت توزیعی منابع طبیعی

۶-۲-۱- کنوانسیون تنوع زیستی

کنوانسیون تنوع زیستی به عنوان یکی از اسناد مهم بین‌المللی در زمینه استفاده از منابع طبیعی، بر اصل دسترسی عادلانه به منابع ژنتیکی و بهره‌برداری پایدار از آن‌ها تأکید دارد. این کنوانسیون با هدف حفظ تنوع زیستی و استفاده عادلانه از منابع طبیعی برای کشورهای مختلف تنظیم شده است. بر اساس این کنوانسیون، کشورهای امضاءکننده متعهد می‌شوند که سیاست‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که استفاده از منابع طبیعی منصفانه و پایدار باشد (CBD, 1992, Articles 8(j)).

۶-۲-۲- اعلامیه ریو (۱۹۹۲)

در اعلامیه ریو که در کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل (UNCED) در سال ۱۹۹۲ در ریو دژانیرو تصویب شد، بر ضرورت دستیابی به توسعه پایدار و استفاده عادلانه از منابع طبیعی تأکید شده است. یکی از اصول کلیدی این اعلامیه اصل عدالت بین‌نسلی است که به‌طور خاص به توزیع منابع طبیعی و محیط‌زیست در بین نسل‌های مختلف اشاره دارد. اعلامیه ریو بر اهمیت حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آینده و تضمین حقوق برابر برای همگان تأکید دارد (UN, 1992, Principle 3).

۶-۲-۳- منشور سازمان ملل متحد

^۱ UNFCCC

^۲ CBD

منشور سازمان ملل متحد نیز در چندین ماده خود بر اهمیت عدالت اجتماعی و اقتصادی در سطح بین‌المللی تأکید دارد. ماده ۱ منشور سازمان ملل به‌طور خاص به لزوم توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها و برقراری شرایطی برای دستیابی به حقوق بشر و توسعه اقتصادی اشاره می‌کند که شامل توزیع عادلانه منابع نیز می‌شود (UN Charter, 1945, Article 1).

۶-۳- مقایسه رویکرد حقوق بین‌الملل با فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران

در مقایسه میان رویکردهای حقوق بین‌الملل، فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران در خصوص عدالت توزیعی منابع طبیعی، تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد.

۶-۳-۱- شباهت‌ها

در هر سه نظام، تأکید بر اصل عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی و تأمین حقوق انسان‌ها از این منابع مشاهده می‌شود. در فقه اسلامی، منابع طبیعی به‌عنوان انفال برای همه مسلمانان تعریف می‌شود، و در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران نیز اصول مشابهی در مورد حق دسترسی به منابع و ضرورت استفاده عادلانه از آن‌ها وجود دارد.

۶-۳-۲- تفاوت‌ها

اما تفاوت‌های عمده در نحوه اجرای این اصول به‌ویژه در ساختارهای نظارتی و اجرایی مشهود است. در فقه اسلامی، نظارت و اجرا عمدتاً بر عهده دولت اسلامی و بر اساس اصول شرعی استوار است، در حالی که در حقوق بین‌الملل، بیشتر به‌عنوان ابزارهای بین‌دولتی و همکاری‌های بین‌المللی به‌منظور نظارت و توزیع منابع پرداخته می‌شود. همچنین، در حقوق موضوعه ایران، تأکید بر نظارت دولتی و ضمانت‌های اجرایی داخلی برای رعایت عدالت توزیعی وجود دارد.

۶-۴- چالش‌ها و راهکارهای بین‌المللی برای ارتقای عدالت توزیعی

۶-۴-۱- چالش‌ها

یکی از چالش‌های عمده در این زمینه، عدم هماهنگی بین کشورها و وجود فساد در فرآیندهای اجرایی است. به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که سیستم‌های اجرایی ضعیف‌تری دارند، گاهی اوقات منافع خاص گروه‌های اقتصادی و سیاسی مانع از اجرای عدالت توزیعی واقعی می‌شود.

همچنین، مشکلات مربوط به سوءاستفاده از منابع طبیعی و تخریب محیط‌زیست نیز یکی دیگر از چالش‌ها است که با وجود اصول بین‌المللی، همچنان ادامه دارد.

۶-۴-۲- راهکارها

برای ارتقای عدالت توزیعی در سطح بین‌المللی، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد سازمان‌های نظارتی مستقل ضروری است. استفاده از فناوری‌های نوین برای شفاف‌سازی فرآیندهای واگذاری منابع طبیعی و توسعه قوانین بین‌المللی برای مقابله با فساد و تبعیض می‌تواند راهکارهای مؤثری در این زمینه باشد. همچنین، توجه ویژه به عدالت بین‌نسلی و تخصیص منابع به‌گونه‌ای که حقوق نسل‌های آینده نیز تأمین شود، از الزامات مهم است.

۷: تحلیل مقایسه‌ای عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران

در این بخش، به تحلیل مقایسه‌ای عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران پرداخته خواهد شد. این تحلیل بر اساس اصول فقهی اسلامی و قواعد حقوقی ایران انجام می‌شود و هدف از آن بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها در هر دو سیستم است. همچنین، چالش‌ها و راهکارهای ارتقای عدالت توزیعی در این زمینه نیز بررسی خواهد شد.

۷-۱- اصول فقهی عدالت توزیعی منابع طبیعی

۷-۱-۱- انفال و مالکیت عمومی در فقه اسلامی

در فقه اسلامی، منابع طبیعی به‌طور کلی تحت عنوان انفال قرار می‌گیرند که شامل زمین‌های بایر، معادن، جنگل‌ها و منابع آبی است. این منابع به‌طور کلی تحت مالکیت عمومی و در اختیار حکومت اسلامی قرار دارند تا به‌طور عادلانه بین مسلمانان توزیع شوند. طبق نظر برخی فقها، این منابع باید به‌طور مساوی میان مردم تقسیم شوند و هیچ‌کسی نمی‌تواند به‌طور خصوصی از آن‌ها استفاده کند، مگر در صورتی که اجازه شرعی برای استفاده داده شده باشد (نجفی، ۱۹۸۳، ج ۳، ص ۳۴).

۷-۱-۲- حقوق عمومی و اختصاص منابع به افراد

طبق فقه امامیه، واگذاری منابع طبیعی به افراد و یا گروه‌ها باید در چارچوب قوانین شریعت و به‌طور عادلانه صورت گیرد. این امر بر اساس اصل عدم ظلم و اصل حفظ حقوق عمومی انجام می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، دولت اسلامی موظف است منابع طبیعی را به‌گونه‌ای مدیریت کند که

عدالت در استفاده از این منابع برقرار باشد. در این راستا، بسیاری از فقهای شیعه بر لزوم تأمین نیازهای اساسی مردم از طریق توزیع منابع طبیعی تأکید دارند (شیخ طوسی، ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۹۸).

۷-۱-۳- تعارض منافع و حفظ حقوق عمومی

یکی از چالش‌های عمده در فقه اسلامی در زمینه توزیع منابع طبیعی، مسئله تعارض منافع است. فقه اسلامی تأکید دارد که منابع باید به گونه‌ای توزیع شوند که به منافع عمومی آسیب نرساند. این امر با توجه به مفهوم ولایت فقیه در حقوق اسلامی و نقش آن در نظارت بر منابع طبیعی، به ویژه در عصر غیبت، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این راستا، بسیاری از فقها مانند امام خمینی (ره) تأکید کردند که حکومت اسلامی باید از منابع به طور عادلانه برای تأمین رفاه عمومی و نیازهای مردم استفاده کند (امام خمینی، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۲۳۳).

۷-۲- حقوق موضوعه ایران و عدالت توزیعی منابع طبیعی

۷-۲-۱- منابع طبیعی و حقوق مالکیت عمومی در قانون اساسی ایران

در حقوق ایران، ماده ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منابع طبیعی را به‌عنوان اموال عمومی معرفی می‌کند که تحت مدیریت دولت قرار دارد. بر اساس این ماده، دولت موظف است تا از منابع طبیعی به گونه‌ای استفاده کند که منافع عمومی تأمین شود و از آن در جهت رفاه جامعه بهره‌برداری شود. این ماده بیان می‌کند که تمامی منابع طبیعی باید برای رفاه عمومی و نه صرفاً برای سودآوری خصوصی استفاده شوند. همچنین، این قانون بر لزوم نظارت عمومی و شفافیت در فرآیندهای واگذاری منابع تأکید دارد.

۷-۲-۲- نظارت دولت بر توزیع منابع طبیعی

در حقوق ایران، فرآیندهای توزیع منابع طبیعی تحت نظارت و تنظیم دولت قرار دارد. دولت از طریق وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو و سازمان جنگل‌ها مسئولیت مدیریت منابع طبیعی را بر عهده دارد. واگذاری این منابع به بخش خصوصی یا سایر افراد تنها در شرایط خاصی انجام می‌شود و باید تحت نظارت دقیق باشد. قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی (۱۹۵۹) در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد و دولت را موظف می‌کند که منابع طبیعی را به گونه‌ای مدیریت کند که هیچ‌گونه تبعیضی در توزیع آن‌ها وجود نداشته باشد.

۷-۲-۳- چالش‌ها و مشکلات اجرایی در حقوق ایران

در حقوق ایران، یکی از چالش‌های عمده در فرآیند توزیع منابع طبیعی، عدم شفافیت در واگذاری منابع و فساد اداری است. برخی از مشکلات موجود در فرآیندهای اجرایی واگذاری منابع شامل تخصیص ناعادلانه منابع به گروه‌های خاص و کمبود نظارت مؤثر بر عملکرد دستگاه‌های دولتی است. همچنین، برخی از قوانین موجود به‌ویژه در زمینه استفاده از منابع آبی و معادن، ممکن است به‌طور دقیق و مؤثر پیاده‌سازی نشوند و به‌تبع آن عدالت توزیعی به خطر بیفتد.

۷-۳- مقایسه فقه اسلامی و حقوق ایران در عدالت توزیعی منابع طبیعی

۷-۳-۱- شباهت‌ها

در هر دو سیستم، تأکید بر مدیریت عادلانه منابع طبیعی وجود دارد و منابع طبیعی به‌عنوان منابع عمومی به‌شمار می‌آیند که باید به‌طور عادلانه توزیع شوند. همچنین، در هر دو سیستم، نظارت دولت بر فرآیندهای توزیع منابع ضروری است. در فقه اسلامی و حقوق ایران، اصول عدالت اجتماعی و عدم تبعیض در واگذاری منابع طبیعی تأکید می‌شود.

۷-۳-۲- تفاوت‌ها

یکی از تفاوت‌های اصلی میان فقه اسلامی و حقوق ایران، تأکید بر مفهوم ولایت فقیه در فقه اسلامی است که به‌طور خاص نقش مرجع دینی در نظارت و مدیریت منابع طبیعی را مشخص می‌کند. در حالی که در حقوق ایران، نظارت بر منابع طبیعی عمدتاً بر عهده دولت است و هیچ مرجع دینی به‌طور مستقیم در این فرآیند دخالت ندارد. از سوی دیگر، در فقه اسلامی، بر تخصیص منابع بر اساس نیازهای اساسی مردم تأکید بیشتری می‌شود، در حالی که در حقوق ایران، توزیع منابع بر اساس قوانین و مقررات خاص انجام می‌شود که ممکن است با نیازهای واقعی جامعه همخوانی نداشته باشد.

۷-۴- چالش‌ها و راهکارهای ارتقای عدالت توزیعی منابع طبیعی در فقه اسلامی

حقوق ایران

۷-۴-۱- چالش‌ها

چالش‌های عمده در هر دو سیستم شامل فساد در فرآیندهای واگذاری و نظارت ناکافی بر تخصیص منابع است. در فقه اسلامی، ممکن است به دلیل فقدان سازوکارهای اجرایی مناسب، عدالت توزیعی

به‌طور کامل پیاده‌سازی نشود. در حقوق ایران نیز، مشکلات اجرایی مانند کمبود شفافیت و عدم آگاهی عمومی در مورد فرآیندهای واگذاری منابع طبیعی وجود دارد.

۷-۴-۲- راهکارها

برای ارتقای عدالت توزیعی در هر دو سیستم، می‌توان تقویت نظارت عمومی و ایجاد سیستم‌های شفافیت‌محور در فرآیندهای واگذاری منابع را پیشنهاد داد. همچنین، در فقه اسلامی، می‌توان با استفاده از اصول فقهی نظیر عدل و انصاف، سازوکارهای اجرایی مناسبی برای توزیع منابع ایجاد کرد. در حقوق ایران نیز، تقویت نظارت‌های حقوقی و اجتماعی و اصلاح برخی از قوانین می‌تواند به تحقق عدالت توزیعی کمک کند.

۸: نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

در این بخش، به جمع‌بندی نتایج تحقیق پرداخته و پیشنهادهای برای ارتقای عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی از منظر فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران ارائه می‌شود.

در این تحقیق، تلاش شد تا عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی در فقه اسلامی و حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد. از یک‌سو، در فقه اسلامی، منابع طبیعی به‌عنوان انفال شناخته شده و به‌طور عمومی تحت مالکیت حکومت اسلامی قرار دارد. اصول عدالت، انصاف، و تأمین نیازهای عمومی، از ارکان اصلی فقه اسلامی در مدیریت منابع طبیعی به‌شمار می‌روند. دولت اسلامی موظف است تا منابع طبیعی را به‌گونه‌ای مدیریت کند که عدالت در توزیع آن‌ها برقرار باشد و هیچ‌گونه ظلمی در این فرآیند رخ ندهد.

از سوی دیگر، در حقوق ایران، بر اساس ماده ۴۵ قانون اساسی، منابع طبیعی نیز تحت مالکیت عمومی قرار دارند و دولت موظف است تا آن‌ها را به‌گونه‌ای به‌کار گیرد که منافع عمومی تأمین شود. قوانین و مقررات مختلف، نظارت دولت بر واگذاری منابع طبیعی و تخصیص آن‌ها به بخش‌های مختلف را تنظیم می‌کنند. با این حال، در عمل، چالش‌هایی نظیر فساد اداری، عدم شفافیت در فرآیندها و مشکلات اجرایی باعث می‌شود که تحقق کامل عدالت توزیعی در زمینه منابع طبیعی با موانعی مواجه شود.

این تحقیق نشان داد که هر دو سیستم، اعم از فقه اسلامی و حقوق ایران، تأکید زیادی بر مدیریت عادلانه منابع طبیعی دارند. با این وجود، در حالی که فقه اسلامی بیشتر بر جنبه‌های

معنوی و اصول اخلاقی مدیریت منابع تأکید دارد، حقوق ایران به‌ویژه در حوزه نظارت دولتی و قانونی بر فرآیند واگذاری منابع طبیعی بیشتر متمرکز است.

در راستای یافته‌ها و نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر قابل توجه است:

تقویت شفافیت و نظارت در فرآیند واگذاری منابع طبیعی: یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در هر دو سیستم، فقدان شفافیت و نظارت کافی بر فرآیندهای واگذاری منابع طبیعی است. پیشنهاد می‌شود که در حقوق ایران، سامانه‌های نظارتی و شفافیت‌محور برای واگذاری منابع ایجاد شود تا از سوءاستفاده و فساد جلوگیری گردد. این سیستم‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که از تمامی مراحل واگذاری منابع، گزارش‌های دقیق و شفاف تهیه شده و در دسترس عموم قرار گیرد.

تقویت مسئولیت‌های عمومی در فقه اسلامی: در فقه اسلامی، اگرچه تأکید زیادی بر تأمین نیازهای عمومی و عدالت در توزیع منابع وجود دارد، اما گاهی سازوکارهای اجرایی برای پیاده‌سازی این اصول به‌طور کامل فراهم نیست. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که مسئولیت‌های عمومی بیشتری در زمینه مدیریت منابع طبیعی در نظر گرفته شود تا نهادهای اسلامی به‌طور فعال‌تری در این زمینه دخالت کنند.

آموزش و اطلاع‌رسانی عمومی: برای تحقق عدالت توزیعی در هر دو سیستم، آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی در زمینه نحوه استفاده از منابع طبیعی و قوانین مربوطه ضروری است. افزایش آگاهی عمومی می‌تواند به ایجاد یک فضای نظارتی اجتماعی کمک کند و موجب شود که مردم در فرآیندهای واگذاری منابع مشارکت داشته باشند و در صورت وجود تخلف، گزارش کنند.

اصلاح قوانین و مقررات: در حقوق ایران، برخی از قوانین موجود در زمینه واگذاری منابع طبیعی نیازمند اصلاح هستند تا بتوانند به‌طور مؤثرتری عدالت توزیعی را تحقق بخشند. اصلاحاتی که موجب شفافیت بیشتر در فرآیندهای قانونی و جلوگیری از فساد شوند، می‌توانند به افزایش کارایی سیستم‌های حقوقی کمک کنند.

تقویت بُعد فقهی در فرآیندهای اجرایی: در حوزه فقه اسلامی، پیشنهاد می‌شود که برای پیاده‌سازی بهتر اصول عدالت توزیعی در واگذاری منابع، سازوکارهای فقهی جدیدی طراحی شود که از تمامی ظرفیت‌های فقهی موجود برای تنظیم و نظارت بر منابع طبیعی استفاده کنند. این سازوکارها باید به‌گونه‌ای باشند که هم‌زمان با رعایت اصول شرعی، کارآمد و مؤثر باشند.

در نهایت، عدالت توزیعی در واگذاری منابع طبیعی به‌عنوان یک مسئله مهم در هر دو سیستم فقه اسلامی و حقوق ایران مطرح است. با این‌که هر دو سیستم بر عدالت در توزیع منابع تأکید دارند، اما در عمل چالش‌هایی همچون فساد، عدم شفافیت و کمبود نظارت موجب کاهش اثربخشی

این اصول می‌شود. به‌منظور ارتقای عدالت توزیعی در این زمینه، نیاز به تقویت نظارت، اصلاحات قانونی و استفاده از ظرفیت‌های فقهی در نظام‌های اجرایی احساس می‌شود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

حسینی، یوسف. (۱۳۹۷). «عدالت توزیعی در حقوق ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها» مجله حقوق عمومی، شماره ۱۲، ص ۴۵-۶۸.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹ش). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

صانعی، یوسف. (۱۳۷۹ش). فقه مقارن. تهران: انتشارات مجمع جهانی اهل بیت.

طوسی، ابو جعفر. (۱۳۷۹ش). المبسوط. تهران: نشر کتابخانه اسلامی.

علیزاده، محمد. (۱۳۹۶). «تحلیل فقهی حقوقی منابع طبیعی در فقه امامیه و حقوق ایران» مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۰، ص ۱۲۳-۱۵۰.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴ش). نظریات فقهی و حقوقی در حقوق اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۱ق). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی، احمد. (۱۳۹۴). «نقش دولت در عدالت توزیعی در حقوق ایران و فقه اسلامی» مجله مطالعات حقوقی، شماره ۲۵، ص ۳۸-۵۷.

میرزایی، فاطمه. (۱۳۹۵). «توزیع منابع طبیعی و عدالت اجتماعی از منظر فقه اسلامی» مجله فقه و کلام، شماره ۸، ص ۹۲-۱۱۵.

نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۲ق). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منابع لاتین

Alston, Philip. (2005). *The Human Rights of Non-Citizens*. Oxford: Oxford University Press.

Constitution of the Islamic Republic of Iran, 1979, Article 45.

Farino, Luigi. *Principles of Public Law*. 1999. p. 230.

Nozick, Robert. (1974). *Anarchy, State, and Utopia*. New York: Basic Books.

Nozick, Robert. *Anarchy, State, and Utopia*. 1974, p. 50.

Rawls, John. (1971). *A Theory of Justice*. Cambridge: Harvard University Press.

- Rawls, John. A Theory of Justice. 1971, p. 14.
- Sachs, Jeffrey. (2005). The End of Poverty: Economic Possibilities for Our Time. New York: Penguin Press.
- Sen, Amartya. (2009). The Idea of Justice. Cambridge: Harvard University Press.
- Shue, Henry. (1980). Basic Rights: Subsistence, Affluence, and U.S. Foreign Policy. Princeton: Princeton University Press.
- United Nations, Charter of the United Nations, 1945, Article 1.
- United Nations, Convention on Biological Diversity (CBD), 1992, Articles 8(j).
- United Nations, Rio Declaration on Environment and Development, 1992, Principle 3.
- United Nations, United Nations Convention against Corruption, 2003.
- United Nations, Universal Declaration of Human Rights, 1948, Article 25.

قوانین و اسناد رسمی

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۸). ماده ۴۵.
- قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی. (۱۳۴۰). ماده ۳.
- قانون بهره‌برداری از اراضی ملی. (۱۳۷۳). ماده ۲.
- قانون اراضی کشاورزی. (۱۳۶۶). ماده ۷.